



به دنبال جنگ نیستیم

وزیر امور خارجه ایران با بیان اینکه هر گونه حمله از سوی رژیم صهیونیستی با پاسخ مناسب مواجه خواهد شد، تصریح کرد که ایران اهداف خود را در سرزمین‌های اشغالی شناسایی کرده است. سیدعباس عراقچی در مصاحبه شبانه با ان‌تی‌وی ترکیه گفت که شهادت رهبر حماس یحیی سنوار، فعالیت‌های این جنبش را متوقف نخواهد کرد و تنها عزم آن را تقویت خواهد کرد و به جوانان فلسطینی انگیزه خواهد داد. به گزارش خبرگزاری اسپوتنیک، او همچنین تأکید کرد که خطر درگیری در بسیاری از کشورهای منطقه از جمله سوریه وجود دارد. عراقچی گفت که «اسرائیل بدون کمک آمریکا نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد و بدون آمریکا نمی‌تواند به ارتکاب جنایات در غزه و لبنان دست بزند. همه تسلیحاتی که آنجا استفاده می‌شود، از سوی آمریکا تأمین می‌شود.» وی تصریح کرد: «اگر آمریکا اراده سیاسی واقعی داشت، می‌توانستند حملات را متوقف و جلوی اسرائیل را بگیرند.» وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران به رسانه ترکیه‌ای گفت که «برای ما آمریکا متحد صهیونیست‌ها است و در صورتی که یک جنگ گسترده در منطقه رخ دهد، ایالات متحده به داخل آن کشیده خواهد شد و ما اصلاً این را نمی‌خواهیم.» او همچنین ضمن هشدار درباره کشیده شدن جنگ به کشورهای خلیج فارس، تصریح کرد که «اما مطمئنم همچنان فرصت دیپلماسی وجود دارد، نمی‌توانیم همه چیز را به اراده یک نفر در رژیم صهیونیستی بسپاریم.» عراقچی در خصوص احتمال حمله اسرائیل علیه ایران هم تأکید کرد که «هر حمله‌ای علیه ایران، به معنای عبور از خط قرمز برای ما است. چنین حمله‌ای را بی‌پاسخ نمی‌گذاریم. پاسخ لازم به هر حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران یا هر حمله مشابه داده خواهد شد. اسرائیل پاسخ متناسب به هر حمله علیه ایران را دریافت خواهد کرد.»



حزب الله تقویت خواهد شد

دیپلمات کهنه کار آمریکایی معتقد است: «حمله به لبنان نه تنها موجب از بین رفتن مقاومت نخواهد شد، بلکه آن را تقویت نیز خواهد کرد. جنبش مقاومت فلسطین نیز ساختاری منتهی بر رهبر ندارد، از این رو، نبود سنوار و دیگر رهبران تغییر چندانی در میدان نبرد نخواهد داد.» «رابن کروکر» دیپلمات کهنه کار آمریکایی در گفت‌وگو با رسانه آمریکایی گفت: درگیری‌های منطقه میان اسرائیل با حماس و حزب الله لبنان در آینده نزدیک پایان نخواهد یافت، زیرا اسرائیلی‌ها به اشتباه - دستاوردهای مقطعی خود را به چشم‌پیریزی قاطع می‌بینند. کروکر همچنین می‌گوید: «شبهه‌های جنگ چریکی مشابهی در جبهه لبنان هم مشاهده می‌شود و با وجود ترور فرماندهان حزب الله، این گروه همچنان ساختار خود را حفظ کرده و به عملیات‌هایش ادامه می‌دهد.» «بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی پس از شهادت السنوار و با اشاره به شهادت «سیدحسن نصرالله» دبیرکل حزب الله مدعی است که «تعادل قدرت» در منطقه به نفع رژیم صهیونیستی تغییر کرده است. این دیپلمات آمریکایی اظهارات نتانیاهو را ناپخته توصیف کرد و گفت: «روشن است که حزب الله همچنان در حال مبارزه است و پهبادهای موشک‌های همچنان از مرز عبور می‌کنند... حماس نیز مانند حزب الله غیرمتمرکز است و من یک خیزش طولانی مدت را از سوی حماس پیش‌بینی می‌کنم.» او در واکنش به گزارش‌هایی مبنی بر اینکه صهیونیست‌ها در پاسخ خود به عملیات‌های مشروع اخیر ایران در اراضی اشغالی قصد حمله به تأسیسات نفتی و هسته‌ای ایران را ندارند، گفت: «این تفاوت چندانی ایجاد نمی‌کند و هرگونه تهاجمی از سوی آنها می‌تواند ایران را به تشدید برنامه هسته‌ای سوق دهد.» او با طرح این اتهام که «ایران به هر حال قصد ساخت سلاح هسته‌ای را دارد»، گفت: با مشاهده صحنه جهانی و نسبت کشورهای با قدرت‌های غربی می‌توان دید که لیبی یا کناره‌گذاشتن و کره شمالی با حفظ سلاح‌های هسته‌ای خود، امروز در چه جایگاهی قرار دارند.

خواسته امارات این است که نهایتاً شورای امنیت ذیل فصل ۶ قطعنامه صادر کرده و از این طریق از دو کشور بخواهد که برای حل و فصل اختلافات به دیوان بین‌المللی دادگستری مراجعه کنند. ابوظبی در این مسیر توانسته تا پرونده ادعای خود علیه ایران را به یک پرونده حقوقی و سیاسی تبدیل کرده و به عنوان یک مناقشه به رسمیت شناخته شده بین‌المللی معرفی کند.

شخبوط بن نهایان آل نهیان، وزیر مشاور در امور خارجه امارات عربی متحده عربی هم‌راه و در جریان سخنرانی در سازمان ملل متحد، با تکرار ادعاهای ابوظبی در خصوص سه جزیره ایرانی، گفت: «ما از طریق مذاکرات مستقیم خواستار حل این قضیه هستیم و در غیر این صورت باید به دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت کنیم.» تحرکات جدید امارات در حالی در شرف ورود به فاز عملیاتی و اجرایی است که سیاست خارجی ایران از یک سو در میانه بحران خاورمیانه به دنبال کنترل تنش و پایان جنگ است و از سوی دیگر یکسال پرتلاشی را با توجه به افزایش سطح تنش با غرب و ایالات متحده و در فاصله ۱۲ ماه به موعود پایان قطعنامه ۲۲۳۱ می‌گذراند.

تاریخ و اهمیت سه جزیره ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک

جزیره ابوموسی به شکل ذوزنقه است و بین بندر لنگه و دویی قرار دارد. بلندترین ارتفاع آن پنجاه حلو، حدود ۱۱۰ متر است که به عنوان راهنمای ملوانان استفاده می‌شود. فاصله این جزیره تا بندر لنگه ۶۷ کیلومتر و از کرانه‌های شارجه ۶۴ کیلومتر است. ابوموسی پایین‌تر از خط منصف خلیج فارس واقع شده است. فاصله این جزیره تا جزیره سیری ۴۵ کیلومتر، تا تنب بزرگ ۴۶ کیلومتر و تا تنب کوچک ۲۴ کیلومتر است. ازلحاظ جمعیتی در ابوموسی دو جامعه جمعیتی وجود دارد: یک گروه ایرانی‌های غیربومی هستند که جهت خدمات نظامی، عمرانی و دولتی در جزیره ساکن‌اند و گروه دیگر ساکن در کرانه جنوب غربی جزیره و عمدتاً ایرانی‌الصل هستند. جزایر تنب بزرگ و کوچک در فاصله ۱۲ کیلومتری از یکدیگر واقع شده‌اند و در حال حاضر فاقد سکنه بومی هستند. این دو جزیره به همراه ابوموسی، بخشی از سیستم دفاعی و حفاظتی تنگه هرمز و کرانه‌های جنوبی کشور را تشکیل می‌دهند؛ علاوه بر آن موقعیت جغرافیایی آنها در عمق آب‌های خلیج فارس و همچنین در داخل دو کریدور رفت‌و برگشت طرح تفکیک تردد بین‌المللی کشتی‌ها، به آنها اهمیت راهبردی خاصی بخشیده است چراکه فاصله میان این جزیره و جزایر تنب بزرگ و کوچک، به دلیل عمق مناسب آب، تنها مسیر قابل کشتیرانی برای نفتکش‌های بزرگ است. بنابراین یکی از دلایل طرح حاکمیت امارات متحده عربی در طول تاریخ، موقعیت استراتژیک و نزدیکی آنها به تنگه هرمز است. جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک از دوره‌های قدیم متعلق به ایران و در حاکمیت آن بوده‌اند. این جزایر در اسناد تاریخی و نقشه‌های سیاسی و جغرافیایی تهیه شده از منطقه خلیج فارس - که توسط انگلستان نیز مورد تأیید قرار گرفته - جزئی از حاکمیت ایران قلمداد شده‌اند. نفوذ دو کشور روسیه و آلمان در منطقه و همچنین شدت گرفتن تلاش ایران، برای تسلط بر آب‌های خلیج فارس از جمله دلایلی بود که بر بنیان‌ها را بر اعمال سیاست جدید در حوزه خلیج فارس؛ یعنی تسلط بر این منطقه و جلوگیری از نفوذ روسیه و آلمان در آن وارد کرد. در سال ۱۹۰۴ میلادی، قوای انگلیس، جزایر مذکور را اشغال کردند و با توسل به زور، پرچم ایران را از فراز این جزایر پایین کشیدند و پرچم شارجه را در آن جزایر نصب کردند. از سال ۱۹۰۴، ایران مکرر به این اقدام انگلیس اعتراض می‌کرد. سرانجام در سال ۱۹۷۱ میلادی انگلیس، با پایان دادن به استعمار خود در منطقه، جزایر اشغال شده را به ایران بازگرداند.

همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب با شرکای بین‌المللی خود علیه ایران دارد. اعضای اتحادیه اروپا پیش از این و در نشست مشابیهی که در سال ۲۰۱۰ با شورای همکاری خلیج فارس برگزار کرده بودند ضمن به رسمیت شناختن اختلاف میان ایران و امارات بر سر جزایر سه‌گانه، از تلاش‌ها و خواسته‌های امارات برای حل این اختلاف مرزی از راه‌های مسالمت‌آمیز از جمله مذاکرات دوجانبه یا دادگاه بین‌المللی حمایت کردند.

این بیانیه تند که در پی تنش روزافزون ایران با غرب شکل گرفته است با واکنش صریح جمهوری اسلامی ایران مواجه شد. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه در حساب ایکس خود نوشت: «مسیر همکاری با احترام، که از سوی ما در ملاقات‌های مختلف از جمله در نیویورک به آن‌ها پیشنهاد شد، اکنون با تمایل اروپا برای تقابل پاسخ داده شده است؛ از طریق تحریم پروازهای مسافری و ایراد اتهام عبث اشغالگری به ایران.» وزیر امور خارجه همچنین با بیان اینکه «جزایر سه‌گانه همیشه متعلق به ایران بوده‌اند»، این اتحادیه را به «سیاست خبیثانه تفرقه بینداز و حکومت کن» متهم کرد. اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز تکرار ادعاهای بی‌اساس درباره جزایر سه‌گانه ایرانی در بیانیه پایانی نشست مشترک سران اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس را شدیداً تقبیح کرد و آن را نشانه روشنی از عدم پایبندی کشورهای عضو اتحادیه به اصول و اهداف منشور ملل متحد خصوصاً اصل احترام به حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی دولت‌ها دانست. سخنگوی دستگاه دیپلماسی تأکید کرد: «جزایر سه‌گانه ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک بخش لاینفک ایران زمین بوده و خواهد بود و استفاده از مفاهیم و گزاره‌های انحرافی یا تکرار ادعاهای نادرست و گمراه‌کننده در مورد این بخش مهم از سرزمین ایران، هیچ تغییری در واقعیت امر ایجاد نمی‌کند.»

کمال خرازی، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی نیز این بار در بیانیه‌ای با تبیین انگیزه‌های اتحادیه اروپا در حمایت از ادعای کشور امارات متحده عربی درباره جزایر سه‌گانه ایرانی، به مقامات امارات هشدار داد: «دشمنی با ایران بر سر تمامیت ارضی آن را کنار بگذارند و به جای توسل به این و آن که در حمایت خود از ادعای امارات، انگیزه‌های اقتصادی دارند، به گفت‌وگو بازگردند تا بر اساس حقایق تاریخی و اسناد موجود آنچه موجب رفع اختلاف و توسعه صلح و آرامش در منطقه است دنبال شود، والا راهی را که دیگران جلوی پای آنها می‌گشایند، جز ویرانی و جنگ نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت.»

تبعات تحرکات ابوظبی در میانه بحران خاور میانه

امارات متحده عربی که فعالیت‌های ۵۰ ساله خود علیه تمامیت ارضی ایران و ادعای مالکیت سه جزیره ایرانی را در سه سال اخیر وارد فاز جدیدی کرده و از سال گذشته و هم‌زمان با شکل‌گیری بحران جدید در خاورمیانه هم‌زمان با موج جدید افزایش تنش میان ایران و غرب، قوت بخشیده است، اکنون در نقطه‌ای قرار دارد که نتوانسته بخش قابل توجهی از کشورهای منطقه و فراتر از آن را از جمله ۵ عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد را با خود همراه و توجیه سایر کشورها را نیز به ادعای خود جلب کند.

در همین چهارچوب و با مرور آنچه در سه سال اخیر به وقوع پیوسته، قدم بعدی امارات خیلی دور از ذهن و غیرقابل پیش‌بینی نخواهد بود که همان ایجاد اجماعی جهانی علیه ایران است. اکنون ورود پرونده امارات به شورای امنیت سازمان ملل مسیر همواری دارد چراکه ۵ عضو دائم و از میان اعضای غیردائم نیز که شامل پاکستان، پاناما، یونان، دانمارک و سومالی هستند نیز می‌توانند تا ۳ رای را کسب کنند.

اقدام روسیه در حالی که ایران به علت فروش تسلیحات به این کشور در جریان جنگ با اوکراین، تحت شدیدترین فشارها از سوی غرب قرار گرفت و همین موضوع نیز مذاکرات برای احیای توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ را به بن‌بست کشاند، واکنشی به مراتب بیشتری را از سوی افکار عمومی و جامعه نخبگانی کشور به همراه داشت که بار دیگر از سوی دولت وقت به درستی مورد توجه قرار گرفت. در این میان اما دیدار کمال خرازی، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی با سفیر ژاپن در تهران بسیار خبرساز شد که در جریان آن خرازی «بهترین، راه برای حل و فصل اختلافات ارضی ژاپن و روسیه درباره ۴ جزیره واقع در اقیانوس آرام را مذاکره مستقیم بین دو کشور خواند.» این اظهار نظر فرد منصوب رهبری و مشاور وی در امور سیاست خارجی این امید را به وجود آورد که شاید روند جدیدی در کیفیت بر خورد با مواضع مشابه به وجود آمده است اما عدم تداوم نقش آفرینی خرازی در این حوزه، این گمانه را تقویت کرد که شاید اقدام وی، ابتکاری شخصی بوده و تکرار نخواهد شد. حمایت کرملین از ادعاهای ابوظبی نیز برای دومین بار در بیانیه مشترک روسیه و اتحادیه عرب که در دسامبر ۲۰۲۳ در مراکش منتشر شد، تکرار شد.

تحرکات جدید امارات در حالی در شرف ورود به فاز عملیاتی و اجرایی است که سیاست خارجی ایران از یک سو در میانه بحران خاورمیانه به دنبال کنترل تنش و پایان جنگ است و از سوی دیگر یکسال پرتلاشی را با توجه به افزایش سطح تنش با غرب و در ایالات متحده و در فاصله ۱۲ ماه به موعود پایان قطعنامه ۲۲۳۱ می‌گذراند

پس از دو کشوری که به ادعای ایران، دارای روابط راهبردی با تهران هستند، آمریکا نیز در ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۴، در پایان نخستین دیدار رسمی شیخ محمد بن زاید آل نهیان، رئیس امارات متحده عربی از ایالات متحده، بیانیه مشترکی را با ابوظبی به امضا رساند که بار دیگر و با تأکید، از ادعای این کشور درباره جزایر سه‌گانه ایرانی حمایت می‌کرد. دو کشور دیگر عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد یعنی انگلیس و فرانسه نیز روز چهارشنبه ۱۶ اکتبر، در چهارچوب اتحادیه اروپا و در بیانیه مشترکی با اعضای شورای همکاری خلیج فارس، با سه عضو دیگر همراه شدند.

تنشی که راه را برای امارات هموار می‌کند

از اسفند ۱۴۰۰ و در میانه مذاکرات ایران و ۴۰۱ و مذاکرات غیرمستقیم با ایالات متحده که مسکو به بهانه تلاش اوکراین برای عضویت در ناتو و نزدیکی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی به مرزهای روسیه، تهاجم نظامی علیه کی‌یف را آغاز کرد و رئیس‌جمهور وقت ایران نیز در تماس تلفنی با ولادیمیر پوتین، ابراز امیدواری کرد که آنچه اتفاق می‌افتد، به نفع ملت‌ها و منطقه تمام شود، نخستین سنگ‌بنای تنش میان ایران و غرب کلید خورد. استفاده روسیه از پهبادهای ساخت ایران در جنگی که اروپا آن را تهدیدی امنیتی علیه کلیت و موجودیت خود تلقسیر می‌کند نیز موجب شد تا اروپا از هر فرصتی برای اقدام علیه ایران و به تبع آن افزایش روزافزون تنش بهره ببرد و این هم‌پیمانی آشکار در جریان وقایع سال ۱۴۰۱ و به وضوح مشخص شد.

اتحادیه اروپا در حالی که در نشست شورای امور خارجه در ۱۴ اکتبر، با تحریم سه شرکت هواپیمایی از جمله هواپیمای ملی ایران یعنی ایران ایر، بار دیگر تلاش کرد تا فشارها را بر تهران افزایش دهد، دوروز بعد، اولین نشست خود را با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (GCC) برگزار کرد. در جریان این نشست، اتحادیه اروپا و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، از ایران خواستند به «اشغال» جزایر سه‌گانه ایرانی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی پایان دهد. این درخواست در بیانیه مشترک اینگونه بازناتب یافته است که «ما از ایران می‌خواهیم به اشغال جزایر سه‌گانه امارات متحده عربی، تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی که نقض حاکمیت امارات متحده عربی و اصول منشور سازمان ملل متحد است پایان دهد.» این بیانیه تندترین لحن را در میان بیانیه‌های مشترک شورای

